

بررسی و تبیین الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری در اندیشه آیه‌الله جوادی آملی با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد*

- سعید ایرانمنش^۱
- نورالله صالحی^۲
- فاطمه نظری رباطی^۳

چکیده

امروزه دستیابی به رشد و پیشرفت اقتصادی از مهم‌ترین دغدغه‌های مکاتب اقتصادی و حکومت‌هاست. برای رسیدن به این اهداف، مکاتب اقتصادی و روشنفکران هر جامعه با توجه به نحله فکری خودشان و متناسب با نیازها و شرایط جامعه، اقدام به طراحی الگوهای توسعه و پیشرفت اقتصادی کرده‌اند. الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری، مفهومی است که در راستای الگوی اسلامی ایرانی

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱.

۱. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول) (saeed.iranmanesh@yahoo.com).
۲. استادیار گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (salehinoor@gmail.com).
۳. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (fnbm90@gmail.com).

پیشرفت و رسیدن به تمدن نوین اسلامی و در حوزه اقتصاد توسط آیه‌الله جوادی آملی مطرح شده است. برای اینکه این الگوی پیشرفت اقتصادی که مبتنی بر کتاب خدا (قرآن کریم) و عقل و حاصل پردازش عقلانی داده‌های وحیانی و نقلی ایشان می‌باشد، بتواند به فعلیت برسد، در ابتدا لازم است که این مفهوم به درستی تبیین و تفسیر گردد و ابعاد مختلف آن مشخص شود.

در این تحقیق تلاش شده است که با تحلیل سخنان آیه‌الله جوادی آملی و با بهره‌گیری از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، ضمن استخراج مدل مفهومی سخنان ایشان پیرامون ابعاد و ویژگی‌ها این الگوی پیشرفت اقتصادی، به بررسی ابعاد و مؤلفه‌ها و در نهایت به تبیین این الگوی پیشرفت اقتصادی پرداخته شود.

واژگان کلیدی: الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری، الگوی اسلامی ایرانی

پیشرفت، تمدن نوین اسلامی، روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد.

۱. مقدمه

با ورود انقلاب اسلامی ایران به سومین دهه حیات خود و با پشت سر گذاشتن بحران‌ها و مشکلات متعدد در اوایل انقلاب و با ریشه دواندن این نهضت در فضای سیاسی و اقتصادی منطقه، نیاز به برنامه و الگویی جامع و جهان‌شمول برای توسعه و پیشرفت پایدار و همه‌جانبه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... احساس می‌شد. انگاره «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» مفهومی است که در سال‌های گذشته در برابر الگوهای توسعه غربی و با رهنمودهای مقام معظم رهبری مطرح شده است. در واقع این الگو از بخش ثابتات منابع اسلامی استنباط شده و نشان‌دهنده مسیر تمدن اسلامی است که در این صورت، الگوی مزبور الهام‌بخش برای جهان اسلام خواهد بود. در سایه درایت و هوشیاری مقام معظم رهبری، چند سالی است که اندیشمندان حوزه و دانشگاه و همچنین صاحب‌نظران پرتجربه و نیروهای جوان و فکور کشور در جهت تحقیق و گفتمان‌پردازی و تدوین مفاهیم، مبانی و ارکان الگویی به نام «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، قدم‌های مناسبی برداشته‌اند. در ابتدا به معرفی کلمه پیشرفت و چرایی استفاده از این کلمه پرداخته می‌شود و در ادامه نیز این الگو به صورت کامل شرح و بسط داده می‌شود.

۱-۱. مفهوم پیشرفت

واژه پیشرفت، معادل واژه توسعه در ادبیات علمی کلاسیک و مرسوم است. توسعه ترجمه کلمه development است و از ادبیات علمی غرب به عاریت گرفته شده است. در این ادبیات، توسعه یافتگی و راهبردهای توسعه مبتنی بر دئیسم، شکاکیت یا انکار خدا، اصالت ماده، اصالت فرد، اصالت تجربه و تفسیر خاصی از سعادت انسان و جامعه، تفسیر و تعیین می‌شود. علت انتخاب واژه پیشرفت به جای توسعه، احتراز از بار بینشی و ارزشی همراه واژه توسعه است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «آنچه که من می‌خواهم اضافه کنم، این است که اولاً کلمه پیشرفت را ما با دقت انتخاب کردیم؛ تعمداً نخواستیم کلمه توسعه را به کار ببریم. علت این است که کلمه توسعه، بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش همراه دارد که احیاناً ما با آن التزامات همراه نیستیم» (مقام معظم رهبری، ۸۹/۱۰/۹).

در تعریفی عام که بر اساس همه بینش‌ها و منش‌ها درست است، پیشرفت عبارت است از فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب. بر این اساس، الگوی پیشرفت باید مشتمل بر سه امر باشد:

الف) تحلیل وضعیت موجود،

ب) تبیین وضعیت مطلوب،

ج) راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب.

الگوهای پیشرفت، دست کم در یکی از این سه مورد با یکدیگر اختلاف دارند و یکی از دلایل اصلی اختلاف نیز جهان‌بینی حاکم بر این الگوست؛ چیزی که از آن با عنوان متاپارادایم الگوهای توسعه یاد می‌شود؛ برای نمونه، اگر همچون مکتب لیبرالیسم، معتقد به دئیسم، اصالت ماده، اصالت تجربه، اصالت فرد و... شویم، پیشرفت را به گونه‌های مختلفی معنا خواهیم کرد و بر اساس مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی نیز به مفهوم دیگری از پیشرفت خواهیم رسید. پس پیشرفت را می‌توان برنامه‌ای هدفمند در جهت حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب دانست. با توجه به تفاوت جوامع مختلف در وضعیت موجود و با عنایت به این نکته که وضعیت مطلوب هر جامعه متناسب با مبانی معرفتی، فرهنگی، فلسفی، اخلاقی و عقیدتی آن جامعه

تعریف می‌شود، می‌توان ادعا کرد که وضعیت مطلوب جوامع مختلف با هم متفاوت است. به عبارت دیگر، پیشرفت معنای جهان‌شمول و همه‌جا صادق ندارد و شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، ارزش‌ها و در یک کلام شرایط زمانی و مکانی در آن مؤثر است. نادیده گرفتن این واقعیت می‌تواند به بروز ناهنجاری‌ها و تناقض‌هایی در جوامعی که به کی‌برداری از الگوهای پیشرفت سایر کشورها - بدون توجه به شرایط بومی کشور محل اجرای الگوی پیشرفت - می‌پردازند، منجر شود (میرمعزی، ۱۳۸۹). بی‌تردید پیاده‌سازی الگوهای پیشرفت بدون لحاظ مقتضیات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جوامع، به نتایج و چشم‌اندازهای مطلوب رهنمون نخواهد شد. این نکته ما را همگام با بیانات مقام معظم رهبری به این اصل اساسی رهنمون ساخته است که:

«پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت در کشور ما - با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیایی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما - الگوی ویژه خود را دارد» (مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۲/۰۵/۱۵).

۲-۱. مفهوم الگو

الگو، معادل کلمه مدل در زبان انگلیسی است. مدل، طرح معرفی یا تشریح است که برای نشان دادن هدف اصلی یا کارکرد یک موضوع، سیستم یا مفهوم در نظر گرفته شده است. مدل‌ها می‌توانند دو نوع کارکرد توضیحی را که اساساً متفاوت‌اند، انجام دهند: از یک سو مدل می‌تواند توضیحی از یک بخش انتخاب‌شده از جهان باشد (سیستم هدف). بسته به طبیعت هدف، این گونه مدل‌ها، یا مدل‌های پدیده‌ها هستند و یا مدل‌های داده‌ها. از سوی دیگر، مدل می‌تواند یک نظریه را توضیح دهد؛ از این جهت که قوانین و اصول موضوعه آن را تفسیر کند. این دو مانعة‌الجمع نیستند؛ زیرا مدل‌های علمی می‌توانند هر دو کارکرد را در یک زمان داشته باشند. در ادبیات علمی متعارف، مدل‌های داده‌ها و پدیده‌ها برای توصیف و تبیین پدیده‌ها یا داده‌های مربوط به واقع خارجی به کار می‌روند. بدیهی است که این مفهوم از الگو یا مدل نمی‌تواند در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مقصود باشد؛ زیرا این الگو برای توصیف و تبیین وضع موجود در ایران نیست، بلکه برای تغییر و اصلاح آن است (میرمعزی، ۱۳۸۹).

مدل‌ها را بر اساس کارکردشان، به چهار گروه بزرگ تقسیم می‌کنند:

۱. مدل‌های شناختی: کارچنین مدلی، معرفی یک سیستم به گونه‌ای است که خصوصیت‌های مورد نظر سیستم را با کنار گذاشتن خصوصیت‌هایی که مهم نیستند، به وضوح نشان می‌دهد.

۲. مدل‌های پیش‌بینی‌کننده: این مدل‌ها بر اساس شناختی که از یک سیستم در موقعیت مشخص وجود دارد، رفتار آتی سیستم مزبور را در موقعیت‌های جدید پیش‌بینی می‌کنند.

۳. مدل‌های تصمیم‌گیری: عمل این مدل‌ها، تهیه اطلاعات برای تصمیم‌گیرنده است و امکان اخذ تصمیمات مطلوب را در جهت دستیابی به اهداف از قبل تعیین شده فراهم می‌کنند.

۴. مدل‌های هنجاری: عمل این مدل‌ها، ارائه تصویری تا حد امکان دقیق از سیستمی است که باید ایجاد شود (دوران، ۱۳۷۶).

پس با توجه به این تعاریف می‌توان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را این گونه تعریف نمود: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، الگویی با کارکرد هنجاری است؛ یعنی ساختاری است که به توضیح نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت که باید ایجاد شود، می‌پردازد. طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان نقشه راه کلان و جامع برای رشد و تعالی ملت ایران در پرتو خودباوری عمیق فرهنگی و ملی و بر مبنای نگرش اسلامی ناب، اساسی‌ترین و پیچیده‌ترین راهبردی است که نظام جمهوری اسلامی ایران با هدایت الهام‌بخش رهبری حکیم و فرزانه انقلاب آن را دنبال می‌کند. طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین کار علمی و راهبردی است که پیش روی نخبگان و صاحب‌نظران جامعه ما قرار دارد. پیش‌فرض‌های اساسی این فکر (ایده) این است که اولاً الگوهای کنونی توسعه نمی‌توانند پاسخ‌گوی نیازها و آرمان‌های ما باشند، ثانیاً اسلام دارای ظرفیت فکری لازم برای پشتیبانی و ارائه الگوی پیشرفت می‌باشد، ثالثاً ظرفیت علمی و راهبردی ایران در حدی است که می‌تواند الگوی پیشرفت خود را، خود طراحی و تولید کند (ذوعلم، ۱۳۹۳).

رهبری فرزانه انقلاب اسلامی بر اساس خلأها و نیازهای جامعه اسلامی در شرایط معاصر، راهبردهایی را در سال‌های اخیر مطرح کرده است. این راهبردها با توجه به عقب‌ماندگی‌های مزمن ناشی از انزوای اسلام از صحنه مدیریت اجتماعی و انفعال جامعه در برابر غرب و دست‌اندازی‌های سیاسی و فرهنگی کشورهای سلطه‌گر به ویژه در یکصد سال اخیر (قبل از پیروزی انقلاب اسلامی) ارائه شده است. راهبردهایی از قبیل تحول بنیادین آموزش و پرورش و نوسازی نظام آموزشی کشور، تأسیس کرسی‌های آزاداندیشی، نهضت نرم‌افزاری و تولید علم، تدوین نقشه جامع علمی، مهندسی فرهنگی کشور، مقابله با جنگ نرم و ناتوی فرهنگی، اصلاح سبک زندگی، جهاد اقتصادی و... که در موقعیت‌های مختلف مطرح شده است، همه در راستای دستیابی به وضعیتی است که ایران اسلامی بتواند عقب‌ماندگی‌های خود را جبران کند و به جایگاه شایسته خود دست یابد. طبعاً توفیق جامعه ایران در این مسیر، الگویی عینی را پیش روی کشورهای اسلامی قرار می‌دهد که خودبه‌خود کارآمدی اسلام را به عنوان یک راه حل جامع اثبات می‌کند (حصیری و نیاوند، ۱۳۹۰).

در این میان، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، کلان‌ترین و جامع‌ترین راهبرد ارائه‌شده توسط مقام معظم رهبری است که به گونه‌ای جامع و بنیادین، نقشه راه پیشرفت را ترسیم می‌کند. اما نکته مهم این است که پیوند سایر راهبردهای ارائه‌شده توسط معظم‌له از قبیل اصلاح سبک زندگی، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، تحول در علوم انسانی و... با این راهبرد کلان و جامع، هم از جنبه نظری و هم از جنبه علمی باید تبیین گردد تا از پراکندگی در سمت و سوی پیگیری این راهبردها پیشگیری شود. مقولات راهبردی مطرح‌شده توسط مقام معظم رهبری، مرتبط با مراحل است که در تحلیل معظم‌له برای افق آینده انقلاب اسلامی به عنوان یک گفتمان تبیین شده است. مسیر پنج‌گانه‌ای که بر اساس تحلیل ایشان از زمان انقلاب اسلامی آغاز شده است، به این ترتیب است: شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، استقرار نظام اسلامی، شکل‌گیری و حرکت رشدیابنده دولت اسلامی و شکل‌گیری جامعه اسلامی و در پایان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی. همه این راهبردها به گونه‌ای با این مراحل و به ویژه مرحله پنجم - یعنی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی - مرتبط می‌باشد. درک عمیق ارتباط مفهومی این

راهبردها و نسبت آن‌ها با یکدیگر و اثر متقابل نتایج و پیامدهای هر یک با سایر مقولات، به پیشرفت این راهبردها کمک شایانی خواهد کرد. این راهبردها را در دو سطح کلی می‌توان طبقه‌بندی کرد: سطح نخست، راهبردهایی که به عنوان یک حرکت بنیادین فکری و گفتمانی تلقی می‌شود و فراتر از موضوعات و عرصه‌های خاص زندگی، ناظر به گسترده‌ترین وجوه زندگی اجتماعی است. سطح دوم، راهبردهایی است که از سوی برونداد و نمود عینی راهبردهای سطح نخست و یا راهکار کلان اجرایی و عملیاتی آن‌هاست، و از سوی دیگر اجزا و عناصری است که می‌تواند برای رسیدن به راهبردهای سطح نخست، تمرین و نمونه عینی تلقی شود و یا مسیر رسیدن به آن‌ها را ترسیم کند. کلان‌ترین راهبرد سطح نخست، راهبرد حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی است. راهبردهایی از قبیل مردم‌سالاری دینی در عرصه نظام سیاسی، آزاداندیشی، نرمش قهرمانانه، اقتصاد مقاومتی، مدیریت جهادی و... راهبردهای سطح دوم می‌باشند. این‌ها راهبردهایی عملیاتی و مصداقی هستند که هر کدام به نوبه خود، یک قطعه از نقشه کلان پیشرفت را تعیین می‌کنند و راه را برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی باز می‌نمایند. می‌توان این برداشت را داشت که این راهبردهای سطح دوم، برخاسته از راهبردهای سطح نخست است و هم زمینه‌ساز تحقق آن. این راهبردها برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، الهام‌بخش و راهنمای مناسبی است تا دست‌اندرکاران را به مسیر عینی دستیابی به الگو رهنمون شود. همچنین می‌توان گفت راهبردهایی که رهبری در این زمینه‌ها مطرح می‌کند، خود نوعی ترسیم عملی و عینی الگوی پیشرفت است. مفهوم الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری که مدنظر در این تحقیق می‌باشد، از راهبردهای سطح دوم است که زمینه‌ساز رشد و پیشرفت اقتصادی در جامعه می‌باشد و از مهم‌ترین خروجی‌های عرصه اقتصاد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌باشد (ذوعلم، ۱۳۹۳). برخی از خروجی‌های مصداقی و عینی در مهم‌ترین عرصه‌ها به شرح زیر می‌باشد:

- در عرصه نظام سیاسی: مردم‌سالاری دینی؛

- در عرصه سیاست‌های اقتصادی: اقتصاد مقاومتی و الگوی پیشرفت اقتصادی

کوثری؛

- در عرصه ارتقای مدیریت: مدیریت جهادی؛
 - در عرصه تحول نظام تربیتی: تربیت فکر محور (عقلانی)؛
 - در عرصه روابط بین‌الملل: نرمش فهرمانانه مبتنی بر مقاومت؛
 - در عرصه علاج پیامدهای فرهنگی، طرح‌های عمرانی و اجتماعی: پیوست‌نگاری فرهنگی؛

- در عرصه تعامل فکری نخبگان: آزاداندیشی؛
 - در عرصه پیوندهای اسلامی و ملی: انسجام اسلامی و خودباوری ملی.
 فرایند طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، فرایندی طولانی، تدریجی و ذومراتب است که علی‌القاعده نقطه پایانی هم نخواهد داشت. هر چه تجربه‌های عینی و تأملات و مطالعات علمی متراکم‌تر شود، دریافت‌ها و پیشنهادها و ابتکارات جدیدی ارائه خواهد شد و الگوی پیشرفت به غنا و کارآمدی بیشتری خواهد رسید. بی‌تردید این الگو نمی‌تواند مشتمل بر عناصر زمانی و مکانی باشد و لذا در سه محور ترسیم وضعیت مطلوب و آسیب‌شناسی وضعیت موجود و ارائه راهبرد، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تنها به عناصر ثابت و جهان‌شمول زیر خواهد پرداخت:

(الف) ترسیم وضعیت آرمانی بر اساس آموزه‌ها و احکام اسلامی؛
 (ب) اصول روشی ثابت برای تحلیل و آسیب‌شناسی وضعیت موجود: این اصول باید مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی باشد؛
 (ج) ارائه اصول راهبردی ثابت جهت تغییر وضعیت موجود به مطلوب (بنیانیان، ۱۳۹۳).

در حوزه اقتصاد همان‌گونه که مطرح شد، یکی از الگوهای مطرح‌شده، الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری می‌باشد که توسط آیه‌الله جوادی آملی مطرح گردیده و در آن بر رعایت عدالت در توزیع امکانات و سرمایه بین تمامی افراد جامعه، جلوگیری از خام‌فروشی منابع طبیعی، اشتغال همراه با کرامت و... تأکید شده است. این الگو علاوه بر اینکه می‌تواند الهام‌بخش و سرمشق دیگر کشورهای مسلمان و آزاده باشد، در وهله اول باید به گونه‌ای طراحی شود که در جمهوری اسلامی ایران قابلیت اجرا داشته باشد و دیگر ملت‌های آزاده با مشاهده نتایج مثبت، گام‌های محکمی در بازسازی

تمدن عظیم اسلامی و پیشرفت همه‌جانبه کشور خود بردارند.

در ادامه این پژوهش ضمن بهره‌گیری از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، به بررسی ابعاد و مؤلفه‌های این الگوی پیشرفت اقتصادی و همچنین به نظریه‌سازی و تبیین این الگو پرداخته خواهد شد.

آیه‌الله جوادی آملی در یک سنخ‌شناسی کلان، الگوهای پیشرفت را به دو نوع توسعه تکاثری یا مذموم و توسعه کوثری ممدوح تقسیم می‌کند. به اعتقاد ایشان، اسلام نه تنها نسبت به امر توسعه بی‌تفاوت نیست، بلکه نوع کوثری آن را با جدیت تمام مورد ترغیب و تشویق قرار داده است. ایشان در این خصوص می‌گوید:

«اسلام توسعه را کاملاً ترغیب و تشویق کرده است. منتها توسعه در اسلام دارای دو نوع متفاوت است؛ یک نوع، توسعه تکاثری است که اسلام در همه‌جا آن را مذمت کرده است؛ و یک نوع دیگر، توسعه کوثری است که اسلام در همه‌جا از آن حمایت کرده است» (جوادی آملی، ۱۳۹۳).

ویژگی اساسی توسعه کوثری، نگاه جامع آن به دنیا و آخرت است. در توسعه کوثری، نه دنیا به خاطر آخرت رها می‌شود و نه سعادت اخروی به پای لذت‌جویی‌های دنیوی قربانی می‌گردد:

«بهترین شما کسی است که بین تمام مقاطع سلوک الهی، جمع سالم نماید و ره‌توشه هیچ مرحله‌ای را فدای مرحله دیگر نکند. نیز همه احتیاج‌های آخرت خود را مستقلاً تحصیل کند تا متکدیانه به دیگری ننگرد و نیازمندان به لماظه دیگری چشم‌ندوزد» (پابنده، ۱۳۸۲).

معلوم است ملتی که بخواهد جامع دنیا و آخرت باشد، راهی جز کلان‌نگری، توسعه و تأمین تمام هزینه‌های استقلال و آزادی ندارد؛ وگرنه به خیال خام زهد محمود، دنیا را از دست می‌دهد و کلّ بر دیگران خواهد شد. از اینجا به طور اجمال، معنای دنیای ممدوح و دنیای مذموم معلوم می‌شود؛ یعنی تأمین نیازمندی‌های اقتصادی فرد و جامعه، دولت و ملت، منافی زهد و آخرت‌طلبی و عافیت‌خواهی نخواهد بود.

پیشرفت در چارچوب اندیشه اسلامی، علاوه بر اینکه نگاه جامع نسبت به دنیا و آخرت را مبنا قرار می‌دهد، در بعد دنیوی نیز نگاه جامع و همه‌جانبه دارد. حق هر ملت

و جامعه این است که زندگی صالح داشته باشد و مقصود از اصلاح معیشت، خصوص اصلاح اخلاقی نیست؛ بلکه مراد، تمام آن چیزهایی است که در بهتر زیستن و خوب‌تر زندگی کردن و سالم‌تر به سر بردن دخیل است. البته اصلاح معیشت، نه تنها مستلزم اسراف، اتراف و مانند آن نیست، بلکه معیشت دنیا با آن‌ها فاسد و آلوده می‌شود. دنیایی که دوستی آن رأس هر خطیئه است، هرگز در جست‌وجوی مال حلال و کسب هزینه‌های لازم زندگی، اعم از مسائل بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، تجهیز نیروی نظامی و انتظامی و نظایر آن ظاهر نمی‌شود؛ زیرا همه این امور، جزء وظایف محمود و ممدوح عقلی و نقلی است (جوادی آملی، ۱۳۸۱).

۲. پیشنهاد تحقیق

در جستاری با عنوان «الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری و مدل اجرایی آن» (یوسفی، ۱۳۹۴) به معرفی این الگو پرداخته شده و برای اجرایی شدن آن مدل‌هایی پیشنهاد داده شده است که مطابق با موازین این الگو می‌باشد. همچنین این الگو مطابق با تعالیم اسلامی می‌باشد. محقق، نگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام و مردم‌سالاری متوسط را معرفی کرده و برای الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری پیشنهاد می‌دهد. در پایان نیز نتیجه می‌گیرد که با توجه به اصول الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری، هر دو مدل می‌توانند در این مدل اجرایی شوند.

همچنین در مقاله‌ای با عنوان «توسعه کوثری در چهارچوب اخلاق الهی از دیدگاه آیه‌الله جوادی آملی» (حسینی، ۱۳۹۱) به معرفی توسعه کوثری و مقایسه آن با توسعه تکاثری از دیدگاه آیه‌الله جوادی آملی پرداخته شده است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که توسعه کوثری توسعه‌ای است که در درون خود، متضمن رشد مستمر تولید، پیشرفت فنی، شکوفایی علمی و فراوانی امکانات رفاهی است؛ اما در عین حال، بر اخلاق و ارزش‌های الهی نیز مبتنی است.

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که وجه امتیاز جستار حاضر با تحقیقات دیگر به ویژه مقاله «توسعه کوثری در چهارچوب اخلاق الهی از دیدگاه آیه‌الله جوادی آملی» در این می‌باشد که سایر تحقیقات مخصوصاً مقاله پیش‌گفته،

محدود به بیان ویژگی‌های اقتصادی توسعه کوثری است که با استفاده از آثار آیه‌الله جوادی آملی، برخی از مبانی و شاخص‌های توسعه کوثری در عرصه تولید، توزیع و مصرف مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه صرفاً به برخی از الزامات پیشرفت کوثری در عرصه اقتصاد پرداخته شده است، اما در پژوهش حاضر به تحلیل سخنان آیه‌الله جوادی آملی با بهره‌گیری از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد که یک روش استقرایی معتبر در حوزه علوم انسانی می‌باشد، پرداخته شده و در ادامه ضمن استخراج مدل مفهومی سخنان ایشان پیرامون ابعاد جامع و ویژگی‌ها این الگوی پیشرفت اقتصادی، به بررسی ابعاد و مؤلفه‌ها و در نهایت به تبیین و نظریه‌سازی این الگوی پیشرفت اقتصادی پرداخته شده است.

۳. روش تحقیق

روش تحقیق این مطالعه، بر اساس ماهیت توصیفی - تحلیلی است که روش تحقیقی که در این مطالعه مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش «نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»^۱ می‌باشد. روش‌های کیفی در علوم اجتماعی و انسانی، بسیاری از روش‌های مختلف را مانند پدیدارشناسی، مردم‌نگاری، تحلیل گفتمان، روش تاریخی - مقایسه‌ای و اقدام‌پژوهی در بر می‌گیرند که روش‌شناسی داده‌بنیاد یکی از آنهاست. نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، روشی پژوهشی برای تحلیل داده‌ها در علوم اجتماعی به شمار می‌رود. اغلب پژوهشگران آن را در میان روش‌های پژوهش کیفی ذکر کرده‌اند، هرچند برخی نیز نظریه‌پردازی داده‌بنیاد را روشی جامع برشمرده‌اند که می‌تواند از داده‌های کمی و کیفی برای تولید نظریه استفاده کند (Bryman, 2008). به هر حال، این روش یکی از پرطرفدارترین روش‌ها در پژوهش اجتماعی به شمار می‌رود که توانسته است توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب نماید.

ریشه‌های این روش را گلیسر (متولد ۱۹۳۰ م.) و استراوس (۱۹۱۶-۱۹۹۶ م.) در سال ۱۹۶۰ با کتاب *روش تطبیق مستمر* و سپس به صورت نظام‌مند در سال ۱۹۶۷ با کتاب

1. Grounded theory.

کشف نظریه داده‌بنیاد بر پهنه پژوهش علوم اجتماعی قرار داده‌اند. بعدها انواع مختلفی از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، توسط گلیسر و همچنین پژوهشگران ساخت‌گرا، فمینیسم، تفکر انتقادی و پست‌مدرنیسم، وارد عرصه پژوهش اجتماعی شدند که هر یک طبق ملزومات فلسفی خود به دنبال اصلاح مدل اولیه بودند (میلست، ۲۰۰۶). نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، هم به روش یا فرایند تولید نظریه اطلاق می‌شود و هم به محصول یا نظریه‌ای که از این روش به دست می‌آید. نظریه‌پردازی داده‌بنیاد را در معنای نخست می‌توان به روش استقرایی و اکتشافی تولید نظریه یا فرضیه از طریق فرایند تکراری و بازگشتی گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل منظم آن‌ها معرفی نمود. در معنای دوم نیز نظریه داده‌بنیاد به نظریه‌ای گفته می‌شود که برآمده از داده‌ها باشد و از فرایند فوق حاصل شود (ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷).

۳-۱. نمونه‌برداری نظری

نظریه‌پردازی داده‌بنیاد در نمونه‌برداری داده‌های موجود، از نگرشی منحصر به فرد استفاده می‌کند که به حساسیت نظری نیز بستگی دارد. در واقع، حساسیت نظری در نمونه‌برداری به شما کمک می‌کند که در فرایند همزمان و زنجیره‌وار جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به منظور بهبود نظریه خود تا هنگام ظهور آن، چه داده‌هایی را جمع‌آوری و در کجاها آن‌ها را پیدا کنید. در حالی که نمونه‌برداری تصادفی یک بار انجام می‌شود، نمونه‌برداری نظری فرایندی مستمر می‌باشد که بعد از هر تحلیل داده‌ای تا رسیدن به اشباع نظری صورت می‌پذیرد. اشباع نظری هنگامی اتفاق می‌افتد که هیچ داده بیشتری یافت نشود که پژوهشگر به وسیله آن بتواند ویژگی‌ها و ابعاد مقوله را رشد دهد. با این اوصاف می‌توان گفت که در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، نمونه‌گیری توسط ظهور مفهومی - و نه طرح پژوهشی - به پیش می‌رود و توسط اشباع نظری - و نه طرح پژوهشی - محدود می‌شود (فرناندز، ۲۰۰۴). نکته پایانی درباره نمونه‌برداری نظری، انعطاف‌پذیری در جمع‌آوری داده‌ها (کشف داده‌های راهگشای جدید)، افزایش عمق، غلظت و تقویت ایده‌های ایجادشده می‌باشد که پژوهشگر باید به آن‌ها توجه کند.

۲-۳. کدگذاری‌ها

کدگذاری فرایندی کلیدی در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به شمار می‌رود که طی آن داده‌های جمع‌آوری شده، تجزیه و تحلیل می‌شوند. در کدگذاری با مرور داده‌های جمع‌آوری شده، نام‌ها و برچسب‌هایی به برخی اجزای تشکیل‌دهنده آن‌ها اختصاص داده می‌شود که از اهمیت نظری و یا برجستگی خاصی درباره موضوع مورد بررسی برخوردارند. به گفته چارمز (۱۹۹۳):

«کدها ابزارهای کوچکی برای نام‌گذاری، جداسازی، ترجمه و سازماندهی داده‌ها به‌شمار می‌روند».

استراوس و کوربین (Strauss & Corbin, 1990) سه نوع کدگذاری را پیشنهاد داده‌اند:

۱-۲-۳. کدگذاری باز

«فرایند خرد کردن، آزمون، مقایسه، مفهوم‌سازی و طبقه‌بندی داده‌ها» را کدگذاری باز می‌نامند (Ibid.). محصول کدگذاری، مفاهیم هستند که در ادامه در قالب مقوله‌ها گروه‌بندی می‌شوند. در کدگذاری باز، پژوهشگر با تطبیق مستمر پیشامدها یا فعالیت‌های واقعی (داده‌های خام)، به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان آن‌ها پی می‌برد که در نهایت به ساخت یک مفهوم یا مقوله و ابعاد آن منجر می‌شود.

۲-۲-۳. کدگذاری محوری

پس از کدگذاری باز، هر مقوله (پدیده) را با توجه به شرایط علی-که باعث آن می‌شود و با توجه به- شرایط زمینه‌ای خاص (زمینه) و عمومی (شرایط مداخله‌گر) که بر کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های متقابل ناشی از آن مقوله تأثیر می‌گذارد، همچنین پیامدهای این کنش‌ها و برهم‌کنش‌های متقابل (راهبردها)، بسط و گسترش می‌دهیم. در واقع در کدگذاری محوری به دنبال ارتباط دادن خرده‌مقوله‌ها (شرایط علی، زمینه، راهبردها، شرایط مداخله‌گر و پیامدها) به یک مقوله خواهیم بود.

۳-۲-۳. کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی به روند انتخاب مقوله اصلی به طور منظم و ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پر کردن جاهای خالی با مقوله‌هایی که نیاز به اصلاح و گسترش بیشتر دارند، اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، کدگذاری انتخابی، یافته‌های مراحل کدگذاری قبلی را گرفته، مقوله محوری را انتخاب می‌کند، به شکلی نظام‌مند آن را به دیگر مقوله‌ها ربط می‌دهد، آن روابط را اثبات می‌کند و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، تکمیل می‌کند (لی، ۲۰۰۱).

این سه نوع کدگذاری، حقیقتاً سطوح مختلف کدگذاری را نشان می‌دهند و هر یک به نکته متمایزی در بیان مقوله‌ها در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد اشاره می‌نمایند. با این حال، همه پژوهشگرانی که از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد استفاده می‌کنند، این سه نوع کدگذاری را در تحلیل داده‌ها به کار نمی‌برند (Bryman, 2008).

خروجی‌های نظریه‌پردازی داده‌بنیاد عبارت‌اند از:

۱- مفاهیم: به برجسب‌هایی که به هر پدیده مجزا زده می‌شود، مفاهیم می‌گویند. مفاهیم در واقع شالوده اولیه نظریه به شمار می‌روند و در کدگذاری باز از تطبیق مستمر نشانه‌ها پدید می‌آیند.

۲- مقوله: از تطبیق مستمر مفاهیم و یافتن ارتباط آن‌ها با پدیده‌های مشابه، درست می‌شوند. یک مقوله ممکن است از ترکیب دو یا چند مفهوم حاصل شود. همان‌گونه که مشخص است، مقوله‌ها از سطح انتزاع بالاتری نسبت به مفاهیم برخوردارند. در فرایند مقوله‌پردازی، ممکن است یک مقوله به عنوان مقوله محوری در نظر گرفته شود و سایر مقوله‌ها به آن ربط داده شوند.

۳- فرضیه: نخستین حدس‌ها درباره روابط میان مقوله‌ها می‌باشد.

۴- نظریه: نظریه، خروجی اصلی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به شمار می‌رود. استراوس و کوربین (۱۹۹۸) نظریه تولیدشده در فرایند نظریه‌پردازی داده‌بنیاد را مجموعه‌ای از مقوله‌های بسط‌یافته می‌دانند که به طور نظام‌مند از طریق بیان روابط میان آن‌ها برای ایجاد چارچوب نظری که بتواند پدیده‌های اجتماعی مرتبط و... را شرح دهد، به یکدیگر مرتبط شده‌اند.

از فرایند نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، دو نوع نظریه می‌تواند به دست آید:

- ۱- نظریه مستقل که درباره مصداق خاص تجربی یا حوزه مستقلی است و از مطالعه پدیده‌ای در یک زمینه شرایطی خاص پدید می‌آید (Strauss & Corbin, 1990).
 - ۲- نظریه رسمی که درجه انتزاع بیشتری نسبت به نظریه مستقل دارد و در نتیجه از قابلیت اجرایی در گستره وسیع‌تری از حوزه‌های مستقل برخوردار است (Bryman, 2008).
- یک نظریه رسمی از بررسی پدیده‌ای که تحت انواع شرایط آزمایش شده است، به دست می‌آید. آنچه نظریه مستقل را از نظریه رسمی متمایز می‌سازد، سطح شرایط نیست، بلکه تنوع شرایط است که می‌توان با بررسی سایر شرایط، نظریه مستقل را به نظریه رسمی تبدیل کرد.
- نظریه‌پردازان داده‌بنیاد، معمولاً نظریه خودشان را در سه شکل ممکن ارائه می‌دهند:

- ۱- الگوی کدگذاری بصری که نموداری متشکل از شرایط علی، پدیده، شرایط مداخله‌گر، زمینه عمومی وقوع پدیده، کنش و برهم کنش ناشی از پدیده و پیامدهای حاصل می‌باشد.
- ۲- مجموعه‌ای از قضایا (فرضیه‌ها) که در آن، روابط میان مقوله‌ها، مثلاً روابط بین شرایط علی با پدیده محوری بیان می‌شود.
- ۳- داستان روایی که در آن، روایتی توصیفی از پدیده اصلی مورد تحقیق ارائه می‌شود. در این داستان، نحوه انتخاب مقوله محوری و ارتباط آن با سایر مقوله‌ها و بالاخره تولید نظریه در قالب داستان برای مخاطبان مطرح می‌شود (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴).

۴. روایی و پایایی تحقیق

۴-۱. روایی تحقیق

روایی اشاره دارد به میزانی که یافته‌ها، واقعیت را توصیف می‌کنند. ریشه‌های معیار روایی را می‌توان در پارادایم اثبات‌گرایی یافت. در اصطلاح‌شناسی اثبات‌گرایی، روایی در کنار سایر مفاهیم تجربی، همچون قوانین جهان‌شمول، شواهد، عینیت، قیاس،

واقعیت، منطق و داده‌های آماری قرار می‌گیرد. در تحقیق کمی، روایی را می‌توان این‌گونه تعریف نمود: «یک تحقیق تا چه حد دقیقاً آنچه را که قصد ارزیابی‌اش را داشته، سنجیده است». تعریف فوق، در تحقیقات کیفی جایگاه چندانی ندارد؛ چرا که در تحقیق کیفی، هدف ارزیابی چیزی نیست، بلکه هدف درک جهان اجتماعی از منظر پاسخ‌گویان (مشارکت‌کنندگان) به وسیله توصیف تفضیلی و دقیق از اقدامات شناختی و نمادین آن‌ها و شناخت معنای مرتبط، با رفتار قابل مشاهده آن‌ها می‌باشد. محققان کیفی در رابطه با بحث روایی، موضع‌گیری‌های مختلفی داشته‌اند. برخی معتقدند که روایی به عنوان یک معیار سنتی کمی، هیچ ارتباطی با تحقیق کیفی ندارد و چون فرضیات شناخت هستی و هستی‌شناسی پارادایم‌های کمی و کیفی متفاوت‌اند، لذا مفهوم روایی نیز در تحقیقات کیفی باید کنار گذاشته شود (فقیهی و علیزاده، ۱۳۸۴).

البته بیشتر محققان کیفی، نگرش متعادل‌تری نسبت به بحث روایی دارند و معتقدند که برخی مطالعات کیفی بهتر از برخی دیگر هستند و اغلب واژه روایی را برای اشاره به این تفاوت ذکر می‌نمایند. این محققان کیفی، هنگامی که از روایی تحقیق صحبت می‌کنند، معمولاً به واژه‌هایی همچون «باورپذیری»، «قابل دفاع» و «امانتدار» بودن اشاره می‌کنند. با پذیرش این معیارها به عنوان شاخص‌های کیفی، تحقیق حاضر به دلیل نقل داده‌ها (سخنان آیه‌الله جوادی آملی و عین‌آیه و حدیث) از اسناد معتبر، شاخص «امانتداری»، انتساب داده‌های آیه و حدیث مورد استفاده در این تحقیق به منبع وحی و معصومان علیهم‌السلام و همچنین انتساب داده‌های سخنان آیه‌الله جوادی آملی که به صورت قالب‌های نهادی، ساختاری و رسانه‌ای بیان شده‌اند، هر دو شاخص «باورپذیری» و «قابل دفاع بودن» را در حد بسیار بالایی داراست.

۲-۴. پایایی تحقیق

پایایی، بیانگر پایداری و تشابه نتایج اندازه‌گیری در دوره‌های مختلف زمانی است. موضوع «پایایی» در تحقیق کیفی نسبت به روایی، کمتر مورد مناقشه بوده است. از آنجایی که روایی بدون پایایی نمی‌تواند وجود داشته باشد، نشان دادن اولی برای اثبات دومی کافی است (ساروخانی، ۱۳۸۲). «ممیزی تحقیق» را می‌توان به منزله روش خوبی

برای بهبود قابلیت اطمینان پیشنهاد کرد و آن عبارت است از بررسی فرایند و محصول تحقیق توسط داوران برای تعیین سازگاری آن‌ها به دلیل بهره‌مندی مستمر از نظر خبرگان حوزوی و دانشگاهی در کلیه مراحل و فرایندهای این تحقیق، که پایایی مورد انتظار برای یک پژوهش به خوبی تضمین و برآورده شده است.

۵. تجزیه و تحلیل

در باب نظریه‌سازی در مورد مفهوم الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری، از سخنان آیه‌الله جوادی آملی به عنوان یکی از مراجع تقلید و از گنجینه‌های علمی و معرفتی جمهوری اسلامی ایران استفاده شده است. دلیل استفاده از مصاحبه ایشان برای نظریه‌سازی مفهوم الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری این است که ابتدا ایشان این مفهوم را در مصاحبه با مجله همشهری مطرح نمود (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۲-۱۷؛ همو، ۱۳۹۳: ۱۳-۲۰). نظریه‌سازی این مفهوم با استفاده از مصاحبه پیش‌گفته صورت می‌گیرد و ابعاد و مؤلفه‌ها و مدل مفهومی الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری استخراج می‌گردد.

جدول (۵-۱): مقوله‌ها و مفاهیم اقتصاد کوثری

| مفاهیم | | مقولات |
|---|--|----------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> - در نظام سرمایه‌داری، ثروت در دست اغنیا می‌باشد - در نظام سوسیالیستی، ثروت در دست دولت می‌باشد (دولت‌سالاری) - انباشت ناصحیح سرمایه - عدم ارائه فرصت‌های برابر اقتصادی - عدم مدیریت در تخصیص بهینه مالی و غیر مالی | | گردش ثروت در دست گروهی خاص |
| <ul style="list-style-type: none"> عدم استفاده بهینه و کارا از منابع طبیعی و صنایع سنگین در فضای دولت‌سالاری | | توسعه تکاثری |
| <ul style="list-style-type: none"> ایجاد فاصله طبقاتی در پی تخصیص ناعادلانه منابع و امکانات اقتصادی | | |
| <ul style="list-style-type: none"> - خام‌فروشی منابع و سرمایه - عدم توجه به مفهوم ارزش افزوده - اشتغال با کراهت و مزدوری برای دیگران | | رشد نامتوازن |
| کم شدن برکت | | |

| مفاهیم | | مقولات |
|--|---|-----------------------------------|
| نبود عدالت در مصرف و بی‌توجهی به محرومان | | آثار اجتماعی و سیاسی توسعه تکاثری |
| استعمار سیاسی زائیده و محصول توسعه تکاثری | | |
| امکان کسب درآمدهای نامشروع و حرام | | |
| توسعه مصرف | - تجمل‌گرایی - اسراف در منابع و امکانات | |
| شکاف طبقاتی | - اشتغال همراه با کراهت - مزدوری برای دیگران | |
| فقیر شدن عده‌ای از افراد جامعه در نتیجه ازدیاد اموال گروهی خاص | | |
| فلج شدن زندگی اکثریت و هدر رفتن استعدادها؛ نتیجه تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص | | |
| اشتغال با کراهت و مزدوری در تقابل با کرامت انسانی | | |
| استعمار سیاسی: قرار دادن منابع و امکانات خود در اختیار دیگران و به نوعی بنده دیگری بودن | | |
| ناپایداری توسعه تکاثری | | |
| در خطر افتادن دین و معاش نسل آتی در نتیجه کسب درآمد نامشروع و حرام | | تحولات و ضروریات مَدُنظر اقتصادی |
| <ul style="list-style-type: none"> - اعمال کردن دیدگاه‌های اسلام در مسائل اقتصادی - در طول قرار گرفتن توسعه اسلامی - رسیدن به قرب الهی - جاری شدن برکت - طراحی نظام اقتصادی مبتنی بر توسعه و تولید و قناعت در مصرف | | |
| <ul style="list-style-type: none"> - حداکثر کارایی منابع و امکانات اقتصادی - از بین رفتن فاصله طبقاتی - توجه به نسل‌های آینده - توزیع عادلانه و هدفمند منابع و ثروت در جامعه - استفاده از ظرفیت‌های طبیعی - تربیت نیروی انسانی و مبحث کارآفرینی - تحول در نظام مالکیت مجموعه‌ای اقتصادی - جلوگیری از اداره کشور بر اساس فروش سرمایه‌های کشور نظیر نفت، گاز و معادن | | تحولات و ضروریات اقتصادی |

| مقولات | | مفاهیم | |
|---|--|--|--|
| | ضرورت اکرام جامعه به ویژه محرومان | | |
| | ضرورت نظارت و بازرسی در تخصیص منابع مالی و غیر مالی | | |
| | ضرورت پیگیری و اجرایی کردن عقود اسلامی برای بهره‌مندی همگان از ثروت و سود در جامعه | | |
| | تسهیل شرایط اعطای تسهیلات برای همگان | | |
| | الزام برنامه‌ریزی صحیح برای گردش مناسب ثروت و سرمایه در کشور | | |
| | از بین رفتن مزدوری برای دیگران و ایجاد اشتغال همراه با کرامت از طریق احیای عقود اسلامی | | |
| | ضرورت مبارزه با فقر و گرسنگی | | |
| | ضرورت توجه به همراه نبودن اکثریت مردم با مفاهیمی نظیر زهد و ریاضت | | |
| | توسعه کوثری | اصول اسلامی قابل بسط در بستر اقتصادی | وجود عقود اسلامی نظیر مضاربه، شرکت و ... |
| | | | قناعت در مصرف |
| نفی مال نامشروع و حرام | | | |
| طرح مالیات اسلامی نظیر خمس و زکات | | | |
| رسیدگی به محرومان از محل مالیات‌های اسلامی | | | |
| توسعه‌ای همه‌جانبه و پایدار | | | |
| در طول بودن توسعه، نه در عرض بودن آن | | | |
| عدم امکان اداره جامعه با زهد، دلیلی برای پیگیری توسعه کوثری | | | |
| دادن سهم فقرا از محل خمس و زکات | | | |
| جلوگیری از دست به دست شدن ثروت در بین گروهی خاص | | | |
| فعالیت همه افراد جامعه برای تأمین نیاز خود | | | |
| سفارش پروردگار به گردش ثروت و همه‌جانبه بودن توسعه کوثری | | | |
| اکرام مردم و اشتغال با کرامت که یک خواست الهی است | | | |
| از بین رفتن مزدوری در توسعه همه‌جانبه و پایدار | | | |
| در اختیار بودن تمام امکانات برای همه آحاد جامعه | | | |
| توسعه کوثری | شناخت صحیح و تمیز میان مفهوم سود و سرمایه | جلوگیری از خام‌فروشی | |
| | | اداره جامعه با درآمدهای حاصل از سرمایه | |
| | | نفی اتلاف سرمایه | |
| | | ایجاد ارزش افزوده از منابع | |

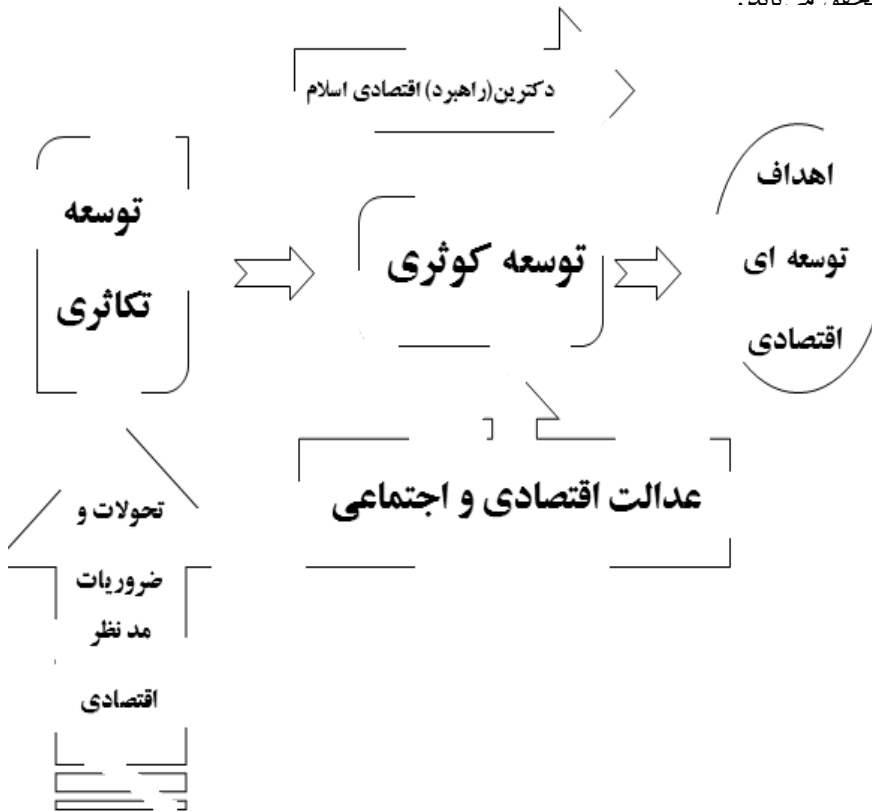
| مفاهیم | | مقولات | |
|---|---|-------------------------------|-------------------------|
| | عرضه داخلی و خارجی درآمد برای تأمین نیازهای جامعه | | |
| | تأمین هزینه‌ها از محل درآمد حاصل از سرمایه | | |
| اصول مرتبط با بازار کار | اشتغال با کرامت | | |
| | توجه به اشتغال و نفی سربار بودن | | |
| | تأمین عمومی و اجتماعی نیروی کار | | |
| | توجه و تأکید بر کارآفرینی | | |
| | نفی مزدوری برای دیگران | | |
| اصول و مبانی عدالت اجتماعی | جریان ثروت در بین تمامی اقشار جامعه | | |
| | دسترسی همگان به منابع مالی و غیر مالی | | |
| | طرح مالیات اسلامی در جهت جلوگیری از تجمع ثروت | | |
| | ارائه فرصت برابر در جهت اخذ ثروت | | |
| اقتصاد کارآفرینی | | دکترین (راهبرد) اقتصادی اسلام | |
| حفظ منزلت نیروی کار | حفظ ارزش نیروی کار | | |
| | نگاه صحیح به کارگر | | |
| | اشتغال همراه با کرامت | | |
| گردش عادلانه سرمایه | | | |
| توجه به مفهوم ارزش افزوده در بهره‌برداری از منابع طبیعی | | | |
| نفی خام‌فروشی در حیطه منابع طبیعی | | | |
| نگاه بلندمدت به منافع نسل‌های آتی | | | |
| ترویج عقود اسلامی | | | |
| جلوگیری از شکاف طبقاتی | | | |
| مدیریت مصرف و نفی تجمل‌گرایی | | | |
| قناعت به این معنا که بر اساس شرایط حرمت مصرف را رعایت کردن | | | |
| در اختیار قرار گرفتن تمام امکانات زمینی و زیرزمینی به عنوان یک خواست الهی | | | |
| رسیدگی به فقرا و محرومان | | | عدالت اقتصادی و اجتماعی |
| جلوگیری از به وجود آمدن فاصله طبقاتی شدید | | | |
| مبحث شایسته‌سالاری در اشتغال | | | |
| رفع موانع تحقق تولید ملی | | | |
| مبارزه با مفساد اقتصادی = اعتمادسازی برای فعالیت سالم اقتصادی | | | |

| مفاهیم | مقولات | |
|--|--------|-----------------------------------|
| قانون‌گذاری حمایتی | | |
| ایجاد همدلی بین مردم و حکومت اسلامی | | |
| مبارزه با رانت‌های اقتصادی | | |
| شفافیت اقتصادی | | |
| اکرام جامعه | | |
| <ul style="list-style-type: none"> - ترویج خمس و زکات - ترویج کمک‌های خیرخواهانه - جلوگیری از تجمع مال - برطرف شدن نیاز افراد محتاج در جامعه | | ترویج فرهنگ و رسیدگی به حقوق فقرا |
| مبارزه با اقتصاد زیرزمینی | | |
| تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی | | |
| افزایش اقتدار بین‌المللی و بقای کشور | | |
| اقتصاد قدرتمند و پایدار | | |
| اهداف توسعه‌ای اقتصادی | | |
| اثبات کارآمدی مفهوم توسعه کوثری در بین انواع توسعه‌های دنیا | | |
| تحقق کرامت انسانی | | |
| اعتلای عزت جامعه اسلامی | | |
| استقلال اقتصادی | | |
| رشد متوازن و توسعه اقتصادی | | |
| رشد پایدار و همه‌جانبه | | |
| برخوردراری تمامی اقشار جامعه از آثار رشد اقتصادی و ثروت‌های جامعه | | |
| بهبود استانداردهای رفاهی تمامی اقشار جامعه | | |
| ارائه یک اقتصاد قوی و پیشرفته برای حفظ دین و ایمان مردم | | |
| اداره کشور با استفاده از تمامی ظرفیت‌ها | | |
| نفی خام‌فروشی | | |
| پیشگیری از فقر اقتصادی با به کار بردن اصول توسعه کوثری | | |
| کاهش فاصله فقیر و غنی در سایه گردش ثروت به صورت عادلانه در بین همه اقشار جامعه | | |

۱-۵. مدل نهایی

مدل نهایی این قسمت، شامل شش مقوله اساسی است که طبق جدول ۱-۴، تعداد ۱۱۸

مفهوم کلی را که مستخرج از ۱۸ کد می‌باشد، در بر دارد. مدل نهایی این الگوی پیشرفت اقتصادی چنین می‌باشد که محوریت الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری در دیدگاه و منظومه فکری آیه‌الله جوادی آملی، رسیدن و تحقق بخشیدن به اهداف توسعه‌ای و پیشرفت اقتصادی مورد تأکید شریعت اسلام می‌باشد. برای رسیدن به این اهداف منتج شده از منظومه فکری ایشان باید تحولات و ضروریات اقتصادی، وارد مبانی و اصول توسعه‌های تکاثری شوند تا به مفهوم توسعه کوثری که مورد تأکید اسلام می‌باشد، برسیم. سپس این مفهوم توسعه‌ای در بستر عدالت اقتصادی و اجتماعی و همچنین هم‌راستا با دکترین اقتصادی اسلام می‌تواند به فعلیت و ظهور برسد و نتایج و آثار آن، همان اهداف توسعه‌ای و پیشرفت اقتصادی مورد تأکید اسلام می‌باشد که تحقق می‌یابد.



نتیجه‌گیری

تبیین الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری

دیدگاه آیه‌الله جوادی آملی دربارهٔ توسعه و الگوی پیشرفت، بستگی فراوانی به منزلت عقل در منظومه فکری ایشان دارد. ایشان در این گفت‌وگو مطرح می‌نمایند که آنچه در اسلام مورد تأکید است، توسعه کوثری است که مبتنی بر کتاب خدا و عقل می‌باشد. سنجه‌های روشنی که ایشان در این گفتار برای توسعهٔ اسلامی برمی‌شمارد، حاصل پردازش عقلانی داده‌های وحیانی و نقلی است که هم تولید سرمایه و رونق فضای کسب و کار را در نظر دارد و هم دغدغهٔ کرامت انسانی و عدالت اجتماعی را در نظر می‌گیرد. از دیدگاه ایشان، هم انباشت سرمایه و هم مزدور دیگران بودن در اسلام مردود است. از این رو در آموزه‌های اسلامی، گردش سرمایه و کارآفرینی تجویز شده است. ایشان ویژگی‌های الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری را در برابر پیشرفت اقتصادی تکاثری بیان می‌نماید و این ویژگی‌ها با استفاده از بیانات ایشان تبیین و تنظیم می‌گردد:

- نقطه آغاز در پیشرفت اقتصادی کوثری آن است که نباید سرمایه را فروخت و خورد؛ بلکه باید از سرمایه درآمد کسب کرد و از آن درآمد مصرف نمود. زمین فروشی، نفت و گازفروشی، سرمایه خوردن است. بر پایه برخی روایات، کسی که زمین را بفروشد، هیچ برکتی در آن نیست. بنابراین سرمایه ملی را باید حفظ کرد و با درآمد آن، کشور را اداره نمود.

- ثروت کشور همانند خون مملکت است. همان گونه که خون باید در تمام رگ‌های انسان جریان داشته باشد، ثروت کشور باید بین همه مردم در جریان باشد. خدای متعال می‌فرماید: ﴿كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ﴾ (حشر/۷). در نظام سرمایه‌داری، کل ثروت در دست اغنیاست و سرمایه‌سالاری اقتصادی در آنجا حاکم است و در نظام کمونیستی، تمام ثروت در اختیار دولت می‌باشد و دولت‌سالاری اقتصادی حاکمیت دارد؛ در حالی که در نظام اقتصادی کوثری، ثروت باید در اختیار همهٔ مردم باشد و به دست همه مردم برسد تا از آن برای ایجاد ثروت استفاده شود و از این راه، فاصله بین فقیر و غنی کاهش یابد. در چنین صورتی پیشرفت اقتصادی، پیشرفتی ممدوح و مشروع است.

- در این الگوی پیشرفت، همه باید کار کنند تا زندگی آنان تأمین شود. کار خوب است؛ ولی مزدوری برای دیگران، مغضوب و مکروه است. مزدوری برای دیگران اشتغال با کراهت است. انسان در این نوع اشتغال، روزی خود را کم می‌کند و محصول زحمت خودش را به صاحب سرمایه و کارفرما می‌دهد. اما در الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری، اشتغال باید همراه با کرامت باشد. نباید تلاش کنیم تا به هر قیمتی شکم مردم سیر شود. مردم باید اکرام شوند نه اطعام. کشور را با کمیتة امداد و فقر و انعام نباید اداره کرد؛ بلکه باید با اکرام اداره نمود. پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دست کارگر را بوسید؛ اما این بوسه رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به جهت نفس کار است، نه اینکه اگر فردی برای کس دیگر مزدوری کند، دستش بوسیدن داشته باشد.

- اسلام اجیر شدن و مزدور شدن را نامطلوب معرفی می‌کند؛ اما در برابر آن، روش‌های دیگری از جمله تعاونی، مضاربه و شرکت را طراحی کرده است که مطلوب این الگوی پیشرفت می‌باشد.

- به دو دلیل عینیت الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری برای افراد و جامعه اسلامی، لازم و ضروری است:

الف) خدای متعال در می‌فرماید: ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ (هود/ ۶۱). خداوند متعال در این آیه از مردم طلب می‌کند که به آبادانی زمین بپردازند. با توجه به انواع امکانات اقتصادی که در زمین است، خدای متعال از ما می‌خواهد که زمین را آباد کرده و از آن استفاده کنیم.

ب) جامعه اسلامی را نمی‌شود با زهد اداره کرد. ممکن است تعداد کمی دعوت به زهد را بپذیرند، اما اکثر مردم آن را تحمل نمی‌کنند. توده مردم را باید با یک اقتصاد پیشرفته و قوی اداره نمود. پس اقتصادی پیشرو و قوی برای عموم مردم لازم است. لازمه فراهم نمودن اقتصاد پیشرو برای عموم مردم، پیشرفت اقتصادی کوثری است.

از نظر ایشان، این توسعه کوثری است که اسلام در همه‌جا آن را حمایت می‌کند و از ویژگی‌های این توسعه می‌توان به پایدار بودن و همه‌جانبه بودن اشاره کرد که از این دو مفهوم می‌توان برداشت کرد که نسل آینده را هم باید در نظر داشته باشیم. یکی از شاخص‌های مهمی که در باب مذمت توسعه تکاثری آورده شده است، این است که

توسعه تکاثری همان گونه که در تولید توسعه دارد، در مصرف هم توسعه دارد که این مطلوب اسلام نیست.

مباحثی که آیه‌الله جوادی آملی مطرح می‌کند، تحولات زیربنایی بزرگی را در چند محور شامل می‌شود:

- جلوگیری از اداره کشور بر اساس فروش سرمایه‌های کشور نظیر نفت، گاز و معادن؛
- طراحی نظام گردش ثروت و جلوگیری از انباشت ثروت میان طبقاتی خاص و توسعه آن به توده‌های مردم؛

- تحول در نظام مالکیت مجموعه‌های اقتصادی و نظام توزیع درآمد و سود بنگاه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی؛

- تحول در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری منبع محدود و مهم زمین و مسکن؛

- طراحی نظام اقتصادی مبتنی بر توسعه تولید و قناعت در مصرف؛

الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری، حرکتی انفعالی نیست؛ بلکه سلب و ایجاب را با هم دارد. این الگو به معنای حرکت به سمت طراحی الگوی اقتصادی اسلامی در چهارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در درازمدت است و یک چشم‌انداز بلندمدت پیش روی اقتصاد ایران است. همچنین برای اینکه این تحولات عظیم زیربنایی یادشده بتوانند اجرایی شوند و شاهد بروز اهداف اقتصادی مدنظر در این الگوی پیشرفت اقتصادی باشیم، باید توجه زیادی به شرایط، سازوکار و ویژگی‌های روز اقتصاد ایران داشته باشیم و اجرای این الگوی پیشرفت اقتصادی، هماهنگ با اقتضات و شرایط اقتصادی جامعه باشد تا از آثار و نتایج سوء ناهماهنگی میان این الگوی پیشرفت اقتصادی و شرایط روز جامعه در امان بمانیم.

توجه به معنویت دینی در این الگوی پیشرفت اقتصادی، بسیار مهم و کلیدی است؛ چرا که این الگوی پیشرفت اقتصادی بر پایه و اساس سرمایه معنوی افراد و جامعه استوار است. این امر باید در تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی اقتصادی متناسب با مقاومت اقتصادی و جهاد اقتصادی که لازمه شرایط اقتصادی امروزه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، تبیین و طراحی گردد.

کتاب‌شناسی

۱. ایمان، محمد تقی، و منیژه محمدیان، «روش‌شناسی نظریه بنیادی»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال چهاردهم، شماره ۵۶، پاییز ۱۳۸۷ ش.
۲. بنیانیان، حسن، *الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: ضرورت‌ها و نتایج؛ سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، تهران، نشر الگوی پیشرفت، ۱۳۹۳ ش.
۳. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۴. جوادی آملی، عبدالله، *انتظار بشر از دین*، قم، اسراء، ۱۳۸۱ ش.
۵. همو، «توسعه مددوح؛ توسعه مذموم» (گفت‌وگو)، فصلنامه تخصصی علوم انسانی اسلامی صدرا، سال سوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۳ ش.
۶. همو، «شاخصه‌های توسعه اسلامی» (مصاحبه)، *مجله همشهری، ویژه‌نامه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، اردیبهشت ۱۳۸۹ ش.
۷. حسینی، سیدرضا، «توسعه کوثری در چهارچوب اخلاق الاهی از دیدگاه آیه‌الله جوادی آملی»، فصلنامه *اسراء*، سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۱۳)، پاییز ۱۳۹۱ ش.
۸. حصریچی، امیر، و عباس نیاوند، «تحلیل الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی در دهه چهارم انقلاب)»، فصلنامه *مطالعات بسیج*، سال چهاردهم، شماره پنجاه، بهار ۱۳۹۰ ش.
۹. دانایی‌فرد، حسن، «تئوری‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی»، *دوماهنامه دانش‌سورفتار*، سال دوازدهم، شماره ۱۱، تیر ۱۳۸۴ ش.
۱۰. ذوعلم، علی، *الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: پیش‌نیازها، اصول و آسیب‌ها؛ سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، تهران، نشر الگوی پیشرفت، ۱۳۹۳ ش.
۱۱. ساروخانی، باقر، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.
۱۲. فقیهی، ابوالحسن، و محسن علیزاده، «روایی در تحقیق کیفی»، *مدیریت فرهنگ سازمانی (فرهنگ مدیریت)*، سال سوم، شماره ۹، تابستان ۱۳۸۴ ش.
۱۳. میرمعزی، سیدحسین، *الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، محصول اسلامی‌سازی علوم انسانی*، نخستین نشست راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، نشر الگوی پیشرفت، ۱۳۸۹ ش.
۱۴. یوسفی، احمدعلی، *الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری و مدل‌های اجرایی آن*، چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۴ ش.

15. Bryman, Alan, *Social Research Methods*, 3rd Ed., Oxford University Press, 2008.

16. Strauss, Anselm & Juliet Corbin, *Basic of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*, Newbury Park, CA, Sage, 1990.